

سازمان جهانی بازرگانی و همگرایی جهانی کشورهای جنوب*

فرزاد بیلتن

دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده

کشورهای جنوب (شامل کشورهای توسعه نیافته، در حال توسعه و با کمترین توسعه یافتگی) تا پیش از ظهور پدیده جهانی شدن، همواره در «بیرامون» نظام جهانی قرار داشتند و در روند تصمیم گیریها و مبادلات و ترتیبات جهانی نقشی فراتر از «حاشیه» نداشتند و بدین علت بیشتر در وضع «واگرایانه» با نهادها، ترتیبات، مقررات و بطور کلی نظام جهانی به سر می بردند. به بیان دیگر، زمینه و علاقه‌ای برای گرایش این کشورها به روندهای جهانی نبود. با وجود این، در سالهای اخیر با شکل گیری فرایند «جهانی شدن» و در پرتو تحولات مربوط به آن، زمینه‌های ورود این کشورها به فرایندها، ترتیبات، نهادها و مبادلات جهانی تا اندازه زیادی فراهم آمد. در واقع جهانی شدن به ویژه در حوزه اقتصاد و تجارت و پیامدهای آن مانند آزادسازی خارجی اقتصادهای ملی، فروپاشی مرزهای ملی و... از یک سو الزاماتی برای جنوب برای ورود به عرضه‌های جهانی پدید آورد و از سوی دیگر با فراهم کردن زمینه‌های شکل گیری GATT و W.T.O بستر مناسبی برای جذب شدن و گرایش این کشورها به ترتیبات جهانی و حرکت آنها به سوی «همگرایی» با نظام جهانی و مشارکت و نفوذ در تصمیم گیریها و روندهای جهانی ساخت. در این نوشتار، نقش جهانی شدن اقتصاد، گات و سازمان جهانی بازرگانی در فراهم آوردن زمینه‌های همگرایی جنوب با ترتیبات جهانی و چگونگی و میزان این همگرایی بررسی می شود.

پیشگفتار:

گرایش از سوی کشورهای جنوب در حوزه‌های گوناگون کمتر پرداخته شده است.

در این نوشتار، با بررسی بستر شکل گیری و علل گرایش کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته به فرایندهای جهانی، چگونگی و میزان گرایش این کشورها و بر سر هم کشورهای جنوب به همگرایی جهانی در حوزه تجارت ارزیابی می شود. فرض اصلی آن است که جهانی شدن، به ویژه در حوزه اقتصاد و الزامات ناشی از آن، از یک سو دگرگونیهای در همگرایی و گرایش این کشورها به ترتیبات جهانی پدید آورده است و از سوی دیگر با فراهم آوردن زمینه‌ها و شرایط شکل گیری GATT و سپس سازمان جهانی بازرگانی (W.T.O)، به گونه مؤثر سبب ایجاد

یکی از تحولات مهم و تازه در نظام بین الملل که از چندی پیش توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است، گرایش کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته جنوب به فرایندها، سازوکارها و ترتیبات نهادی بین المللی و جهانی است. بسیاری از پژوهشگران ریشه‌ها و عوامل این تحول را بیشتر در پرتو فرایند جهانی شدن و مباحث مربوط به آن بررسی کرده اند و با اینکه تا کنون آثار فراوانی در این زمینه انتشار یافته، به شناخت دقیقتر زمینه‌ها و بررسی علل، انگیزه‌ها و به ویژه چگونگی ایجاد و اعمال این

فرایند گسترده ادغام جهانی به شمار آورد که در آن فرهنگها و تمدنهای همگرایی فزاینده پیدا می کنند. زیرا نه تنها آگاهی از فشردگی فزاینده موجب دشمنی ها و درگیریهای تازه می شود، بلکه ممکن است به سیاستهای ارتجاعی و بیگانه‌هراسی ریشه‌دار دامن زند. ^۱ امروز نشانه‌های جهانی شدن در بسیاری از زمینه‌ها همچون اقتصاد، سیاست، فرهنگ در حال ظاهر شدن است و یکی از ملموس‌ترین این حوزه‌ها اقتصاد است که این حوزه با عنوان جهانی شدن اقتصاد مورد تأکید و توجه فراوان پژوهشگران است.

در واقع جهانی شدن اقتصاد [همچون یکی از زمینه‌های جهانی شدن] پدیده‌ای بسیار مهم، اساسی و تازه است که بویژه در تحلیل طبیعت و ساختار نظم اقتصادی سیاسی و بین‌المللی در دوران پس از جنگ سرد مورد تأکید قرار می‌گیرد. از دید گروهی از صاحب‌نظران و دانشمندان سیاست و اقتصاد بین‌المللی، جهانی شدن اقتصاد مربوط به مجموعه‌ای از عوامل و عناصر جهانی و بین‌المللی است که خواهان گسترش و آسانی ارتباط متقابل و وابستگی متقابل میان دولت‌ها و نیز جوامع مدنی در سطح نظام اقتصاد سیاسی بین‌المللی است. ^۲

به نظر برخی دیگر جهانی شدن اقتصاد به معنی از میان رفتن مرزهای ملی است و از ویژگیهای آن ادغام تدریجی اقتصادهای ملی در اقتصاد بین‌المللی با گسترش حجم تجارت کالاها و خدمات، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری در سهام و جهانگردی بین‌المللی است. در این شرایط عرصه اقتصاد بین‌المللی صحنه مبارزه کشورهای باهم نیست بلکه میدان مسابقه‌ای است که هر رقیب می‌خواهد برنده آن باشد. ^۳

در علم اقتصاد، جهانی شدن به معنای افزایش آزادی افراد و بنگاهها برای دادوستد با افراد و بنگاهها در دیگر کشورها تعریف می‌شود. در این فرایند بازارهای داخلی به روی عرضه‌کنندگان خارجی باز می‌شوند و عرضه‌کنندگان داخلی نیز به بازارهای خارجی دسترسی می‌یابند. ویژگی کلیدی این فرایند آن است که موانع بر سر راه دادوستد با افراد و بنگاههای فرامرزی کاهش می‌یابد و بدین ترتیب هزینه دادوستد با آنها با هزینه‌های مشابه در داخل کشور یکسان می‌شود. بر سرهم، دادوستدهای بین‌المللی را که به روند جهانی شدن اقتصاد کمک می‌کند، می‌توان در چهار گروه مهم بررسی کرد:

۱- تجارت بین‌المللی شامل دادوستد کالا و خدمات با افراد و بنگاههای آن سوی مرز.

انگیزه‌ها و پیدایش بسترهای لازم برای گرایش کشورهای جنوب به عضویت در این نهادها و پذیرش مقررات و هنجارهای جهانی و همگرایی و مشارکت و نفوذ در روندها و ترتیبات جهانی، به‌ویژه در زمینه تجارت شده است.

شاخصهای ارزیابی همگرایی جنوب با ترتیبات جهانی نیز در این جا مقدار عضویت و مشارکت کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته در GATT و W.T.O و روندها و تصمیم‌گیریهای این سازمان و همچنین ارزیابی مقدار مبادلات این کشورها در حوزه اقتصاد و بازرگانی جهانی است. بر این پایه بررسی این فرضیه در سه گفتار صورت می‌گیرد. در گفتار نخست، پس از اشاره‌ای به جهانی شدن اقتصاد و ویژگیهای آن، پیامدهای آن به‌ویژه تمایل کشورهای جنوب به همگرایی جهانی خواهد آمد و سپس در گفتار دوم برای ارزیابی دقیقتر چگونگی ایجاد همگرایی جهانی میان این کشورها، بویژه در حوزه تجارت، تمهیدات و شرایطی که GATT و W.T.O در این مورد پیش‌بینی و اجرا کرده‌اند، بررسی خواهد شد و سرانجام در گفتار سوم با بررسی میزان عضویت کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته جنوب در GATT و W.T.O، و همچنین میزان مشارکت و نفوذ این کشورها در تصمیم‌گیری‌های W.T.O و در پایان سهم این کشورها در مبادلات جهانی و میزان گرایش کشورهای جنوب به همگرایی جهانی به‌گونه نسبی ارزیابی خواهد شد. چنانکه اشاره شد در این نوشتار منظور از جنوب کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته یا با کمترین درجه توسعه‌یافتگی است و منظور از همگرایی جهانی، عضویت در سازمانها و پذیرش مقررات و سازوکارهای جهانی و همچنین مشارکت و نفوذ در تصمیم‌گیریها و مبادلات جهانی است.

گفتار ۱: جهانی شدن اقتصاد و همگرایی

جنوب

الف- تعریف جهانی شدن اقتصاد

به بیان ساده، جهانی شدن، به معنای گسترش مقیاس، رشد اندازه، سرعت یافتن، و تعمیق اثر فرآفره‌ای جریانها و الگوهای تعامل اجتماعی است. جهانی شدن، جابه‌جایی یا دگرگونی در مقیاس سازماندهی انسانی است که جامعه‌های دور دست را به یکدیگر می‌پیوندد و دسترسی به روابط قدرت را در مناطق و قاره‌ها گسترش می‌دهد. اما نباید آن را ناشی از ظهور یک جامعه جهانی هماهنگ، یا بعنوان یک

۲- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شامل تأسیس، راه‌اندازی و کنترل بنگاه‌های صنعتی یا تجاری یک کشور و توسط افراد کشورهای دیگر.

۳- دادوستد مالی شامل سرمایه‌گذاری‌های پرتفوی، وام‌دهی و وام‌گیری.

۴- مهاجرت نیروی کار شامل عرضه خدمات نیروی کار در یک کشور از سوی افرادی از کشورهای دیگر.^۴

در سطح تحلیل و دیدگاه محض اقتصادی، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) عنوان می‌کند که جهانی شدن اقتصاد در اصل روندی است که گسترش و توسعه تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، بین‌المللی شدن روزافزون بازارهای پولی، مالی و اعتباری و نیز رشد و گسترش بازارهای سرمایه‌گذاری خارجی را در بر می‌گیرد.^۵

در این چشم‌انداز، جهانی شدن همچون فرایند اتحاد جهانی از اقتصادهای بخشی^۶ معرفی می‌شود که در همان حال متضمن رخنه متقابل^۷ و بسیار ژرف اقتصادهای ملی در یکدیگر و نیز شامل رقابت مستقیم و بسیار پیشرفته میان آنها است.

«مک‌ایوان» معتقد است که روند جهانی شدن اقتصاد به سوی توسعه و توزیع گسترده‌تر، آزاد و بین‌المللی و البته بی‌حد و مرز روابط و مبادلات تجاری و اقتصادی است. «پل کروگمن» از دانشمندان برجسته اقتصاد کلان نیز جهانی شدن اقتصاد را همچون یک اقبال و گشایش گسترده بازارهای ملی به روی تجارت بین‌المللی تعریف می‌کند؛ گشایشی که همه نیرو و فشارهای ساختاری خود را در جهت اتحاد و پیوستگی تنگاتنگ و بی‌نظیر بازارهای جهانی به کار می‌گیرد.^۸

همچنین، گروهی از دانشمندان اقتصاد سیاسی بین‌الملل، عواملی همچون رشد و گسترش روزافزون وابستگی متقابل در سطح نظام اقتصاد بین‌الملل، از میان رفتن فزاینده مرزهای بازارهای ملی و منطقه‌ای، اتحاد و ادغام ساختاری شرکتهای کارخانه‌های چندملیتی، افزایش همکاری‌های بین‌المللی میان قدرتهای بزرگ اقتصادی و تکنولوژیک، گسترش بیش از پیش ساختار اطلاعات جهانی که سبب پیوند یافتن همه نقاط جهان می‌شود، برای توضیح روند جهانی شدن اقتصاد شناسایی کرده‌اند.

در زمینه رابطه جهانی شدن اقتصاد و توسعه ملی نیز گفته شده است که در چارچوب روند جهانی شدن اقتصاد، تسریع روند بین‌المللی اقتصاد و تولید (بعنوان مرحله

مقدماتی جهانی شدن اقتصاد و از عوامل عمده رشد نهایی نظام سرمایه‌داری) و نیز رشد انفجار آمیز جریان انتقال سرمایه‌های جهانی و بین‌المللی همگی سبب ترویج و توسعه استراتژیهای زیربنایی و کلان ملی در جهت آزادسازی تجاری و اقتصادی شده‌اند و براساس دیدگاههای شورویک اقتصاد کلاسیک، افزایش نیروی رقابت اقتصادی، در پی اصلاح و افزایش مزیت‌های اقتصادی و تولیدی نسبی اقتصادهای ملی، سرانجام سبب بالا رفتن هر چه بیشتر سطح زندگی در کشورهای مورد نظر می‌شود.^۹

به لحاظ تاریخی از آغاز سده بیستم و بویژه پس از جنگهای جهانی، تجارت بین‌المللی برای کشورهای صنعتی لازمه پیشرفت شده است. برای کشورهای روبه توسعه نیز تجارت خارجی بویژه پس از جنگ جهانی دوم نه تنها ابزاری برای تأمین نیازها و کمبودها بوده بلکه از دید وسیع‌تر، به صورت راهبردی برای توسعه اقتصادی این گروه از کشورها مطرح شده است، به گونه‌ای که تعیین جایگاه بازرگانی خارجی و نقش آن در اقتصاد این گروه از کشورها به صورت مهمترین وظایف دولت و نظام اقتصادی در آمده است و در تعیین این جایگاه، سیاستهای راهبردی بازرگانی خارجی بی‌گمان نقش مهمی به عهده دارد و هر چند این نقش گاهی سازنده و گاهی مخرب بوده است، اما جایگاه تجارت بین‌الملل در مباحث توسعه در کشورهای روبه توسعه تا جایی اهمیت یافته است که بیشتر آن را موتور رشد و توسعه اقتصادی داخلی می‌نامند.^{۱۰}

برای توضیح چگونگی بهره‌مندی مؤثر و واقعی از نتایج مثبت روند جهانی شدن اقتصاد نیز، باید یادآوری کرد که در عمل و نظر چنین انگاشته می‌شود که جابجایی بین‌المللی و آزاد منابع اقتصادی شامل سرمایه، نیروی کار و تولید، و رقابت اقتصادی که همگی از عوامل زیربنایی جهانی شدن اقتصاد است، سبب تشویق و تقویت همکاریهای اقتصادی و تکنولوژیک میان نظام‌های اقتصادی کشورها می‌شود.^{۱۱}

در واقع، شرایط تازه‌ای که پس از جنگ سرد در سطح بین‌المللی پدید آمد، به نوبه خود شکل‌گیری یک نظام اقتصادی تازه را که عوامل اقتصادی در چند دهه اخیر زمینه‌های لازم را برای آن فراهم آورده بود، آسان کرده است. یکی از ویژگیهای چنین نظام تازه‌ای جهانی شدن اقتصاد و فشار بیش از پیش عوامل اقتصادی برای گشودن بازارهای ملی، باهدف تشکیل یک بازار جهانی است. براین پایه در سالهای گذشته، تجارت بین‌الملل به گونه‌ای گسترده

۱۵ میلیارد دلار در ۱۹۷۳ به بیش از ۹۰۰ میلیارد دلار در ۱۹۹۲ افزایش یافته و اکنون از مرز ۱۰۰۰ میلیارد دلار فرا رفته و چنان وابستگی متقابلی میان بازارها و نظامهای مالی و انبوه جریانهای مالی پدید آورده که همواره خطر فروپاشی در برخی از بخشهای ویژه یا تمام نظام یاد شده (بر اثر تحوّل ناپجا در يك گوشه جهان یا در كل نظام) می تواند پیامدهای گسترده داشته باشد و این امر سبب نگرانی و دلواپسی کلی و فزاینده درباره شکندگی و آسیب پذیری این نظام شده است.

آزادسازی تجاری نیز رفته رفته افزایش یافته است تا آنجا که بر پایه آمارها، صادرات جهانی از ۶۱ میلیارد دلار در ۱۹۵۰ به ۳۱۵ میلیارد دلار در ۱۹۷۰ و ۳۴۴۷ میلیارد دلار در ۱۹۹۰ افزایش یافته و سهم صادرات جهانی در تولید ناخالص داخلی از حدود ۶ درصد در ۱۹۵۰ به ۱۲ درصد در ۱۹۷۳ و ۱۶ درصد در ۱۹۹۲ رسیده است.^{۱۲}

آزادسازی سرمایه گذاری مستقیم نیز، در اندازه ای کوچکتر از جریانهای مالی بین المللی، رشدی پایدار داشته است. هر چند از آغاز دهه ۹۰ جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه در حد میانگین ۳۲ درصد کل در سالهای ۱۹۹۱-۹۵ (در سنجش با ۱۷ درصد در سالهای ۱۹۸۱-۹۰) افزایش نشان می دهد اما بیشتر این گونه سرمایه گذاریها و افزایش آن مربوط به کشورهای پیشرفته است. با این حال سنجش سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سالهای ۱۹۸۵-۹۰ (۱۴۱۹۳۰ میلیون دلار) با سالهای ۱۹۹۴-۹۶ (۳۰۱۴۹۶ میلیون دلار) رشدی بیش از صد درصد نشان می دهد.

همچنین، جهانی شدن سیاستهای ملی و سازوکارهای سیاستگذاری از دیگر ابعاد مهم جهانی شدن بویژه جهانی شدن اقتصاد است. در واقع سیاستهای ملی که در صلاحیت دولتها بوده، به گونه ای فزاینده زیر نفوذ فرایندها و مؤسسات بین المللی یا شرکتهای خصوصی و بازیگران مالی و اقتصادی قرار گرفته است. مهم ترین مؤسسات جهانی یا بازیگران اصلی در این زمینه بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان جهانی بازرگانی هستند.^{۱۳}

بر سرهم می توان گفت که در روند جهانی شدن اقتصاد، کشورهای جهان به هم وابسته می شوند، موانع گمرکی و تجاری به کمترین اندازه ممکن کاهش می یابد و نقل و انتقالهای مالی در میان کشورها هر چه آسانتر می شود، کنترل دولتها بر نقل و انتقال سرمایه و تکنولوژی سخت کاهش می یابد و در بلندمدت از میان می رود و با توسعه

در مرکز توجه همه کشورهای چه صنعتی و چه در حال توسعه قرار گرفته است و به یکی از اجزای اصلی در دستور کار کمابیش همه کشورهای تبدیل شده است.

ب- ابعاد جهانی شدن اقتصاد و آثار آن بر همگرایی جنوب

جهانی شدن اقتصاد، فرایند تازه ای نیست؛ از حدود بیش از پنج سده پیش، شرکتهای کشورهای پیشرفته اقتصادی از راه تجارت و فعالیتهای تولیدی، خدمات خود را به گونه چشمگیر به سراسر جهان گسترش دادند (که در دوره استعمار این روند زرفتر شد) و در دو تا سه دهه گذشته، جهانی شدن اقتصاد بر اثر عوامل گوناگون همچون پیشرفتهای تکنولوژیک (فتی) و بویژه سیاستهای آزادسازی که به سراسر جهان گسترش یافته، تشدید شده است.

آزادسازی خارجی اقتصادهای ملی، شامل فروپاشی مرزهای ملی فعالیتهای اقتصادی است که به آزادسازی و همگرایی بیشتر کشورها در بازارهای جهانی می انجامد.

به بیان دقیقتر، روند جهانی شدن اقتصاد که پس از جنگ جهانی دوم با تلاش بی وقفه دولتهای غربی برای گسترش تجارت آزاد در جهان اوجی دوباره گرفت و رشد پیوسته فن آوری در چهار دهه گذشته شالوده های لازم را برای آن فراهم آورد، در آستانه دهه ۱۹۹۰ وارد مرحله تازه ای شد و دگرگونی قالبهای سنتی را گریز ناپذیر ساخت.

مهمترین ابعاد جهانی شدن اقتصاد شامل فروپاشی مرزهای اقتصاد ملی، رواج همه جانبه تجارت بین المللی، فعالیتهای تولیدی و مالی و نیروی در حال رشد شرکتهای فراملیتی و مؤسسات مالی بین المللی در این فرایندها است. گذشته از این، در حالی که جهانی شدن اقتصاد فرایندی ناپر ابر است که افزایش تجارت و سرمایه گذاری تنها در چند کشور متمرکز شده، کمابیش همه کشورهای از این فرایند به گونه ای چشمگیر اثر می پذیرند.

برای نمونه، در بیشتر کشورها، بارشد بازارهای مالی و پولی، تجاری و سرمایه گذاری مستقیم خارجی، مرزهای ملی در حال فروپاشی است؛ تا آنجا که در بعد آزادسازی مالی به عنوان برجسته ترین بعد از ابعاد آزادسازی در کنترل بازارها و جریانهای مالی، آزادسازی پیشرفته و گسترده ای صورت گرفته است. به بیان دیگر فروپاشی نظام «برتن وودز» در سالهای ۱۹۷۲-۷۳ تجارت بین المللی ارزشها را پدید آورد که تا اندازه چشمگیری گسترش یافته است. حجم مبادلات ارزی در بازار جهانی از میانگین روزانه

تجارت و تولید،^{۱۴} شاهد گسترش پیوندهای متقابل میان کشورهای اقتصادهای ملی، یکپارچگی بازارهای ملی و افزایش مبادلات تجاری، مقررات زدایی و از میان برداشتن شدن ضوابط حمایتگرانه بازرگانی از راه سیاستهایی هستند که اتحادیه‌های اقتصادی جهانی، شرکتهای بین‌المللی و مؤسسات اقتصادی بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول^{۱۵} و بویژه سازمان جهانی بازرگانی اجرا می‌کنند.

نتیجه آنکه جهانی شدن، بویژه در حوزه اقتصادی و با دگرگونی‌هایی که در پرتو این فرایند رخ داده است، سبب گرایش بسیاری از کشورها همچون کشورهای در حال توسعه به مشارکت در تشکیلات و سازوکارها و سرانجام با گرفتن گونه‌ای همگرایی جهانی شده است که بارزترین نمونه آن «سازمان جهانی بازرگانی» (W.T.O) است که بر اثر این دگرگونیها در نظام بین‌الملل ایجاد شده و زمینه‌ساز گرایش بیشتر کشورها چه توسعه یافته و چه در حال توسعه به مشارکت در برقراری ضوابط و مقررات جهانی در زمینه تجارت شده است.

در کنار این تحولات، باید به دیگر پیامدهای بسیار مهم جهانی شدن اقتصاد مانند «منطقه‌ای شدن روابط اقتصادی و تجاری» و نیز «همگرایی منطقه‌ای» اشاره کرد که در واکنش به جهانی شدن اقتصاد شکل گرفته است. در مورد منطقه‌ای شدن روابط اقتصادی و تجاری، بر سر هم می‌توان گفت که در چارچوب اصول جهانی شدن اقتصاد بین‌الملل، منطقه‌ای شدن متکی و محدود به مجموعه‌ای گسترده ولی گوناگون از روابط و هماهنگی‌های اقتصادی و تجاری برگزیده در بیشتر اتحادیه‌های اقتصادی و گمرکی و نیز مناطق آزاد تجاری است که اصول آن در میان دولتها به بحث و گفتگو گذاشته می‌شود.^{۱۶}

در واقع با توجه به موانعی که شمال ایجاد کرده است و نیز سیاستهایی حمایتی که در چارچوب بلوکها و همگراییهای اقتصادی شمال اجرا می‌شود، کشورهای جنوب ناگزیر شده‌اند با ایجاد همگراییهای اقتصادی به گونه‌ای روابط تجاری میان خود را گسترش دهند. با این حال به سبب اختلافهای درونی و برونی این کشورها، همگرایی میان آنها با مشکلات بسیار روبه‌رو شده و همه تلاشها برای ایجاد همگراییها و اتحادیه‌های سیاسی، منطقه‌ای و اقتصادی میان کشورهای جنوب یا ناکام مانده یا اثر چندانی نداشته است.

جنبش غیرمتعهدا، شورای همکاری خلیج فارس،

سازمان همکاری اقتصادی (اگو)، سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، پیمان آندان، بازار مشترک آمریکای مرکزی، جامعه اقتصادی آفریقای شرقی، اتحادیه ملتهای جنوب شرق آسیا (آ.سه.آن)، اتحادیه و بازار مشترک برای کارائیب، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه تجارت آزاد آمریکای لاتین، اتحادیه همبستگی آمریکای لاتین، اتحادیه گمرکی و اقتصادی آفریقای مرکزی، اسکاپ، بازار مشترک عربی، بانک توسعه آسیایی، بانک توسعه آفریقا، بانک توسعه اسلامی، سازمان وحدت اسلامی و... از نهادهایی هستند که در آنها کشورهای جنوب گرد هم می‌آیند اما موفق چندانی نداشته‌اند.^{۱۷}

بر سر هم می‌توان گفت که جهانی شدن و پیامدهای آن بویژه در حوزه اقتصاد از یک سو سبب افزایش همگرایی جهانی میان کشورهای گوناگون از جمله کشورهای در حال توسعه بویژه در چارچوب سازمان جهانی بازرگانی شده که موضوع این نوشته است، و از سوی دیگر گونه‌ای همگرایی منطقه‌ای که پیشینه درازتری در سطح نظام بین‌الملل داشته، در قالبهای تازه‌تر و به گونه‌ای وسیعتر پیدا شده است که ترتیبات و قراردادهای منطقه‌ای در زمینه‌های گوناگون بویژه تجارت در مناطق گوناگون جهان را می‌توان در این راستا ارزیابی کرد.

گفتار ۲: نقش گات و سازمان جهانی

بازرگانی در همگرایی کشورهای جنوب

الف- تمهیدات گات برای جذب کشورهای جنوب به همگرایی جهانی

نخست- کمکهای دولتی برای توسعه اقتصادی

از زمان تنظیم موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) در ۱۹۴۷ میلادی نگرش اصلی، جلب کشورهای غیرصنعتی و توسعه نیافته برای مشارکت در این پیمان بین‌المللی در کنار کشورهای صنعتی و توسعه یافته بود. در دوران اعتبار گات ۱۹۴۷، اقدامات چندی در راستای تعدیل تعهدات موافقتنامه مزبور به منظور تأمین منافع کشورهای در حال توسعه صورت گرفت.

یکی از نخستین و مهمترین اصلاحات در گات ۱۹۴۷، اصلاح ماده (۱۸) موافقتنامه در ۱۹۵۵ بود. ماده ۱۸ از مواد مفصل موافقتنامه و دربرگیرنده چند بخش است. در این بخشها، محور اصلی را کشورهای توسعه نیافته یا کشورهای دارای استانداردهای پایین زندگی و کشورهایی

در حال حاضر زیر نظارت مشترک سازمان جهانی بازرگانی و آنکتاد است. همچنین این مرکز بعنوان آژانس اجرایی نهاد تخصصی دیگر سازمان ملل متحد یعنی برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP)^{۲۲} نیز کار می‌کند و مسئول اجرای طرح‌های تأمین مالی شده توسط UNDP در کشورهای در حال توسعه، اجرای برنامه‌های ملی توسعه تجارت بر پایه گسترش صادرات و بهبود کیفی واردات آنها است. دادن نظر مشورتی به دولت‌ها و سازمان‌های دولتی در مورد استراتژیهای تجاری و همچنین برگزاری دوره‌های آموزشی، از دیگر خدمات آن مرکز است.

چهارم - نظام عمومی ترجیحات

بر اساس بند (۵) ماده (۲۵) گات ۱۹۴۷ طرف‌های متعاقد، در اوضاع و احوال ویژه‌ای که در موافقتنامه پیش‌بینی نشده باشد، می‌توانند از تعهد یکی از طرف‌های متعاقد گذشت کنند. در چارچوب این سیاست، کشورهای صنعتی «نظام گسترده ترجیحات» (GSP)^{۲۳} را به تصویب رساندند. بر پایه این نظام، کشورهای مزبور در زمینه واردات کالاها از کشورهای توسعه نیافته از نظر اخذ تعرفه‌های گمرکی تخفیف‌هایی قابل می‌شدند.^{۲۴} هم‌اکنون نیز بیشتر کشورهای گروه ۷۷ از تسهیلات نظام ترجیحات تجاری بهره‌مند می‌شوند و دست کم ۱۳۰ کشور توسعه نیافته برای بهره‌گیری از انواع طرح‌های ترجیحی حائز شرایط شناخته شده‌اند.^{۲۵}

در جریان مذاکرات «دور توکیو» (۱۹۷۳-۷۹) در چارچوب گات نیز در مورد کاهش یا محدودسازی تعرفه‌های گمرکی و موانع غیر تعرفه‌ای و... به وضع ویژه کشورهای در حال توسعه توجه جدی شد به گونه‌ای که یکی از تصمیمات در این دور از مذاکرات «رفتار متمایز و مطلوبتر متقابل و کاملتر کشورهای در حال توسعه»^{۲۶} نام گرفت که سپس به «بند تواناسازی»^{۲۷} شهرت یافت و نخستین هدف آن، گسترش دامنه شمول نظام عمومی ترجیحات (GSP) بود.^{۲۸}

پنجم - استثنای کلی و امنیتی

گذشته از موارد ویژه‌ای که در متن موافقتنامه برای کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی شده است، در دیگر بخش‌های موافقتنامه نیز می‌توان مواردی یافت. هر چند قواعدی به صورت کلی برای همه طرف‌های موافقتنامه وضع شده است ولی بیشتر آنها مربوط به کشورهای در حال توسعه است و این کشورها می‌توانند با تکیه به این قواعد،

که در مراحل آغازین توسعه هستند تشکیل می‌دهند. برای نمونه، بر پایه بند ۴ (الف) این ماده، کشورهایایی که در پایین‌ترین مرحله توسعه یافتگی (LDC)^{۲۸} هستند، به گونه موقت از رعایت بخش بزرگی از مقررات این ماده معاف شده‌اند:

«طرف متعاقدی که اقتصادش تنها می‌تواند در حد استانداردهای پایین زندگی پاسخگو باشد و در مراحل اولیه توسعه قرار دارد، مجاز خواهد بود که موقتاً از مقررات دیگر موافقتنامه حاضر، به گونه پیش‌بینی شده در قسمت‌های الف، ب و ج این ماده عدول کند.» بند ۴ (ب) نیز که ناظر به کشورهای در حال توسعه است، مقرر می‌دارد:

«طرف متعاقدی که اقتصادش در روند توسعه قرار دارد، اما در پوشش باارگراف فرعی (الف) فوق قرار نمی‌گیرد، ممکن است برابر بخش (۱) این ماده، تقاضاهایی تسلیم طرف‌های متعاقد کند.»^{۲۹}

دوم - تعهدات در زمینه تجارت و توسعه

در زمینه تجارت و توسعه نیز گات به کشورهای در حال توسعه توجه ویژه داشته است. بخش چهارم از موافقتنامه گات ۱۹۴۷ با عنوان «تجارت و توسعه»^{۳۰} مبین جایگاه کشورهای در حال توسعه در چارچوب این موافقتنامه است. نخستین ماده این بخش از موافقتنامه، ماده (۳۶) است که ۹ بند دارد و محور همه این بندها در نظر گرفتن شرایط ویژه کشورهای توسعه نیافته در رابطه با کشورهای توسعه یافته است. برای نمونه، بند (۸) از این ماده مربوط به کاهش یا حذف تعرفه‌ها و رفع موانع غیر تعرفه‌ای برای کشورهای در حال توسعه است:

«طرف‌های متعاقد توسعه یافته در برابر تعهداتی که در مذاکرات تجاری برای کاهش یا حذف تعرفه و دیگر موانع تجارت با طرف‌های متعاقد کمتر توسعه یافته برعهده می‌گیرند، انتظار عمل متقابل ندارند.»

سوم - کمک‌های کارشناسی

همچنین با توجه به اهمیت نیازهای کشورهای در حال توسعه، در زمینه‌های فنی و کارشناسی، کشورهای متعاقد، مرکز تجارت بین‌المللی (ITC)^{۳۱} را تأسیس کردند. این مرکز در آغاز بخشی از دبیرخانه گات شمرده می‌شد که مسئول ارائه خدماتی مانند اطلاع‌رسانی، آموزش فنون بازرگانی و... به شهروندان کشورهای در حال توسعه بود. ولی از سال ۱۹۶۷ با گسترش فعالیت‌های آن، به نهادی مستقل زیر نظارت مشترک گات و آنکتاد، تبدیل شد و

خود را از اجرای برخی از تکالیف مذکور در موافقتنامه‌ها سازند. برای نمونه، ماده (۲۰) موافقتنامه با عنوان «استثنائات کلی» و ماده (۲۱) آن با عنوان «استثنائات امنیتی» به این موضوع پرداخته است. در ماده (۲۰) تصریح شده است که هیچ چیز در موافقتنامه گات (۱۹۴۷) به گونه‌ای تفسیر نخواهد شد که مانع کارهای زیر از سوی دولتهای عضو شود:

الف- اقدامات لازم برای پاسداری از اخلاق عمومی.

ب- اقدامات لازم برای حفظ حیات یا سلامت انسان، حیوان و گیاه.

ج- اقدامات لازم برای تضمین رعایت قوانین و مقررات ملی، همچون قوانین گمرکی، ثبت اختراعات و علائم تجاری (به شرط آنکه قوانین مزبور مخالف مقررات گات نباشد)

د- اقدامات مربوط به حفظ منابع طبیعی تمام نشدنی، به شرط اینکه چنین اقداماتی با محدود شدن تولید یا مصرف داخلی همراه نباشد.

ه- اقدامات مستند به تعهدات مندرج در هر موافقتنامه بین المللی که با معیارهای ارائه شده به طرفهای متعاقد همخوان باشد و مورد مخالفت آنها قرار نگیرد.

همچنین موافقتنامه بر پایه ماده ۲۱ با در نظر گرفتن نگرانی دولتها، بویژه دولتهای کوچک و توسعه نیافته برای ورود به ترتیبات بین المللی و بستن قراردادهای گوناگون و آثار احتمالی تعهدات بین المللی بر امنیت ملی آنها، به کنار گذاشتن جنبه‌های امنیتی از مقررات موافقتنامه مزبور می‌پردازد و در این ماده با عنوان استثنائات امنیتی مقرر می‌دارد:

«هیچ چیز در موافقتنامه حاضر به گونه‌ای تفسیر نخواهد شد که:

الف- يك کشور متعاقد ملزم به ارائه اطلاعاتی باشد که افشای آن را خلاف منافع اساسی امنیتی خود تشخیص می‌دهد، یا ب- مانع طرف متعاقد از هر اقدامی شود که برای حراست از منافع امنیتی خود در موارد زیر لازم تشخیص می‌دهد:

۱- در ارتباط با مواد قابل شکافتن یا موادی که این مواد از آنها مشتق می‌شوند؛

۲- در ارتباط با تجارت اسلحه، مهمات و ابزارهای جنگ و نیز تجارت کالاها و مواد دیگری که مستقیم یا غیر مستقیم برای تدارك تأسیسات نظامی جریان دارد؛

۳- در زمان جنگ یا دیگر مواقع اضطراری.

ج- طرف متعاقد را از هر گونه اقدام به موجب تعهداتش بر پایه منشور ملل متحد در زمینه حفظ صلح و امنیت بین المللی باز دارد.

ب- تمهیدات W.T.O برای جذب کشورهای جنوب به همگرایی جهانی

سازمان جهانی بازرگانی بر پایه نیازهای کشورهای در حال توسعه، به سه صورت توانسته است زمینه را برای جذب شدن کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در نظام خود فراهم آورد و این کشورها را با مکانیزمهای جهانی خود همراه سازد؛ یکی از راه موافقتنامه‌ها، و دیگری از راه کمیته‌های درونی این سازمان و سرانجام از راه خدمات آموزشی.^{۲۹}

نخست - موافقتنامه‌ها

گذشته از زمینه‌ها و شرایطی که در گات ۱۹۴۷ برای جلب کشورهای در حال توسعه پیش بینی شده بود، سازمان جهانی بازرگانی نیز در موافقتنامه‌های خود برخی مقررات و امتیازات ویژه برای جذب کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته است:

۱- در زمینه تجارت

موافقتنامه سازمان جهانی بازرگانی، چهار پیوست بعنوان اجزای جدانشدنی دارد که پیوست اول، دربرگیرنده سه موافقتنامه است و نخستین آنها «موافقتنامه‌های چندجانبه راجع به تجارت کالاها»^{۳۰} است که نخستین سند از این مجموعه، «موافقتنامه‌های عمومی ناظر به تعرفه و تجارت ۱۹۹۴»^{۳۱} یا به تعبیر همین موافقتنامه، موافقتنامه گات ۱۹۹۴ است که گات ۱۹۴۷ را بعنوان محور اصلی برگزیده و یا پیوند دادن چند سند تفسیری به آن، مجموعه‌ای به نام موافقتنامه گات ۱۹۹۴ پدید آورده است و با توجه به اینکه روح کلی مقررات گات ۱۹۴۷، حمایت از تجارت آزاد است، اصول و مقررات وضع شده نیز در این خط حرکت می‌کند.

برخی از صاحب نظران اصول حاکم بر مقررات گات را به دو گروه ثابت و پویا طبقه بندی کرده‌اند.^{۳۲}

اصول ثابت در گذر زمان دگرگون نخواهد شد، در صورتی که اصول پویا با توجه به نیازهای زمان رفته رفته به اجرا در خواهد آمد.

اصول ثابت گات عبارت است از:

۱- اصل رفتار دولت کامله الوداد (MNF) یا اصل برابری

کشورها.^{۳۳}

اجرای مقررات عمومی گات پیش‌بینی می‌کند. برای نمونه، بند ۲ از مادهٔ مزبور برعکس اصل کلی رفتار ملی، برای این گروه از کشورها اجرای اقدامات حمایتی یا دیگر اقدامات مؤثر بر واردات را پیشنهاد می‌کند.^{۲۱}

۱-۳- اصل کاهش تدریجی تعرفه‌ها

در چارچوب این اصل که یکی از اصول مهم در مقررات گات و W.T.O است، کاهش تعرفه‌ها و سپس تثبیت آنها، از راه گفتگوهای چندجانبهٔ اعضای سازمان یا یکدیگر به دست می‌آید و نتیجهٔ مذاکرات کشورها در مورد تعرفه‌های گمرکی در جدولی ویژهٔ هر کشور به نام جدول امتیازات درج می‌شود و نرخهای مندرج در این جدول برای هر کشور الزام‌آور خواهد بود و افزایش آنها جز در شرایط ویژه [که می‌تواند مورد بهره‌گیری کشورهای در حال توسعه هم قرار گیرد] ممنوع است.

۱-۴- پرهیز از برقراری محدودیت‌های مقداری (سهمیه‌بندی)^{۲۲}

در اجرای این اصل به‌عنوان یکی از شیوه‌های رایج در محدودسازی آزادی تجارت بین‌الملل، نیز با وجود صراحت بند ۱ مادهٔ ۱۱ گات مبنی بر پرهیز از برقراری محدودیت‌های مقداری، در مادهٔ ۱۲، مواردی برای مستثنی شدن از این امر آمده است. این ماده، با عنوان «محدودیت‌های مربوط به حفظ تراز پرداختها»، به یکی از مشکلات اساسی و اغلب پایدار کشورهای در حال توسعه می‌پردازد. در بند ۱ مادهٔ مزبور مقرر شده است:

«۱- با وجود مقررات بند ۱ مادهٔ ۱۱، هر متعاقد به منظور وضع مالی خارجی و تراز پرداختهای خود ممکن است مقدار یا ارزش کالای مجاز برای ورود را براساس مقررات مندرج در بندهای این ماده محدود کند.»

همچنین براساس بخش ب مادهٔ ۱۸ گات مقررات گسترده‌ای در مورد اجرای اصل فوق-به سود کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی شده است.^{۲۳}

۱-۵- پرهیز از برقراری موانع غیر تعرفه‌ای

در اجرای این اصل که به‌منظور شفاف شدن مقررات تجارت بین‌الملل و براساس مادهٔ ۳ و ۸ و ۹ گات قواعدی کلی برای اعضای سازمان جهانی تجارت در جهت اجرای آن وضع شده است، مفاد مادهٔ ۱۸ گات در مورد معافیت مشروط کشورهای در حال توسعه از قاعدهٔ پرهیز از برقراری موانع غیر تعرفه‌ای نیز می‌تواند کاربرد داشته باشد.

گذشته از اینها در زمینهٔ تأمین مواد خوراکی-بعنوان

اصل رفتار ملی.^{۲۴}

- عبور آزاد کالاها.^{۲۵}

- تدابیر مربوط به یارانه‌های ملی و ضد دامپینگ و

عوارض جبرانی.^{۲۶}

- مقررات کنترل تسعیر ارزها و پول ملی.^{۲۷}

- گسترش اصول گات به تجارت دولتی و انحصارات

دولتی.^{۲۸}

دو اصل نخست، یعنی اصل رفتار دولت کامله‌الوداد و اصل رفتار ملی، هستهٔ مرکزی مقررات گات است و چهار اصل بعدی زمینه‌های مساعد برای اجرای این دو اصل فراهم می‌کند.

اصول پویای گات نیز عبارت است از:

- اصل کاهش تدریجی تعرفه‌ها.

- اصل کاهش و حذف نهایی محدودیت‌های مقداری

(سهمیه‌بندی)

- اصل از میان برداشتن موانع غیر تعرفه‌ای.^{۲۹}

۱-۱- اصل رفتار دولت کامله‌الوداد و کشورهای در حال

توسعه

در اجرای اصل رفتار دولت کامله‌الوداد برابر مادهٔ (۱) گات مقرراتی کلی در زمینهٔ تجارت کالا میان اعضای سازمان جهانی بازرگانی وضع کرده است، ولی به موازات این مقررات، شاهد استثنائاتی به سود کشورهای در حال توسعه در اجرای این اصل هستیم از جمله نظام عمومی ترجیحات (GSP)، که بیشتر به آن اشاره شد.^{۳۰}

۱-۲- اصل رفتار ملی در کشورهای در حال توسعه

برابر ماده (۳) گات، طرفهای متعاقد باید با کالاهای وارداتی از دیگر کشورهای متعاقد مانند کالاهای داخلی رفتار کنند و تأکید اصلی این ماده بر سه محور است:

۱- در مورد اخذ مالیات (بند ۲ مادهٔ ۳)

۲- در مورد خریدهای دولتی (بند ۸ مادهٔ ۳)

۳- در مورد مقررات تبعیض آمیز به زبان محصولات

خارجی (بند ۷ مادهٔ ۳)

در واقع، می‌توان گفت W.T.O بموجب ماده ۳ گات نیز شرایط و تسهیلاتی برای کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی کرده است. همچنین در اجرای «اصل رفتار ملی» نیز مادهٔ ۱۸ گات، با عنوان «کمک دولتی برای توسعه اقتصادی» بخش مفصلی گشوده که گرچه در آن به روشنی به کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین توسعه‌یافتگی اشاره نمی‌شود، ولی مقررات آن به گونه‌ای است که برای این گروه از کشورها رفتار متمایزی در برابر

یکی از نقاط آسیب‌پذیر کشورهای در حال توسعه - یکی از اسناد مهمی که بویژه در این رابطه در چارچوب سازمان جهانی بازرگانی وضع شده است، «تصمیم در مورد تدابیر مربوط به آثار منفی احتمالی برنامه اصلاحات بر کشورهای کمتر توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه واردکننده خالص مواد غذایی» است. مصوبه مزبور به موضوع اجرای برنامه اصلاحات اقتصادی در کشورهایی که دچار مشکلات شدید اقتصادی هستند، می‌پردازد. براساس این مصوبه مکانیزم‌هایی برای تضمین بی‌اثر بودن اجرای تعهدات کلی کشورها در چارچوب سازمان جهانی بازرگانی بر این گروه از کشورها پیش‌بینی شده است.^{۲۴}

۲- در زمینه تجارت خدمات

در زمینه تجارت خدمات نیز که تأکید ویژه بر آن یکی از ویژگیهای نظام حقوقی سازمان جهانی بازرگانی در قیاس با گات (۱۹۴۷) است، موافقتنامه‌های سازمان جهانی بازرگانی در کنار مقررات عمومی، مقررات ویژه کشورهای در حال توسعه را پیش‌بینی کرده است که یکی از موارد آن با هدف افزایش مشارکت کشورهای در حال توسعه در زمینه تجارت خدمات است. در واقع کشورهای در حال توسعه هر چند در بیشتر بخشهای تجارت کالا نیز با کشورهای توسعه یافته فاصله دارند، ولی بودن بیشتر گونه‌های خدمات و تجربه اندک کشورهای در حال توسعه در این زمینه‌ها از جمله بانکداری و بیمه و نیز سطح بسیار بالای تخصص و تکنولوژی در برخی از رشته‌های خدماتی مانند ارتباطات، شکاف میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را بسیار ژرفتر کرده است. بر این پایه، ماده (۴) «موافقتنامه عمومی راجع به تجارت خدمات»^{۲۵} برای کشورهای در حال توسعه فرصتهایی در بخش خدمات به شرح زیر پیش‌بینی کرده است:

الف- افزایش ظرفیت خدمات داخلی این کشورها و کارایی و قدرت رقابت آن و از جمله دسترسی به تکنولوژی از راههای تجاری.

ب- بهبود دسترسی این کشورها به کانالهای توزیع و شبکه‌های اطلاعاتی.

پ- آزادسازی دسترسی به بازار در بخشها و شیوه‌های عرضه دارای منافع صادراتی برای آنها.

همچنین بند ۲ از ماده ۴ موافقتنامه بویژه از کشورهای توسعه یافته عضو سازمان می‌خواهد تا در ظرف دو سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه سازمان جهانی بازرگانی، به منظور آسان کردن دسترسی عرضه‌کنندگان خدمات در

کشورهای در حال توسعه به اطلاعات مرتبط با بازارهای آنها، نقاط تماسی در موارد زیر تشکیل دهند:

الف- جنبه‌های تجاری و فنی عرضه خدمات.

ب- ثبت، تأیید و احراز صلاحیت‌های حرفه‌ای.

پ- فراهم آوردن تکنولوژی خدمات.^{۲۶}

ماده ۱۵ موافقتنامه نیز بویژه به جلوگیری از پرداخت یارانه به خدمات به منظور پرهیز از آثار منفی آن می‌پردازد؛ ولی همان ماده با شناخت وضع ویژه اقتصادی کشورهای در حال توسعه، موضع نرمی در برابر این گروه از کشورها گرفته است. این ماده هر چند روال مشخصی در مورد اعطای یارانه به خدمات از سوی کشورهای در حال توسعه به دست نداده است، ولی بیانگر نگرش کلی سازمان جهانی بازرگانی در زمینه رفتار خاص و ترجیحی در برابر کشورهای در حال توسعه است. در بخشی از این ماده آمده است:

«جنین مذاکراتی نقش یارانه در رابطه با برنامه‌های توسعه کشورهای در حال توسعه را تأیید کرده و نیاز ویژه کشورهای در حال توسعه را به داشتن انعطاف در این زمینه، در نظر خواهد گرفت.»^{۲۷}

۳- در زمینه حمایت از حقوق مالکیت معنوی

در زمینه حمایت از «حقوق دارایی فکری (مالکیت معنوی)»^{۲۸} نیز بعنوان یکی دیگر از ویژگیهای W.T.O نسبت به گات، «موافقتنامه ناظر به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی (TRIPS)»^{۲۹} به مقررات گات افزوده شد که براساس بند ۲ ماده ۶۵ آن برای کشورهای در حال توسعه چهار سال بیش از کشورهای توسعه یافته زمان برای دوره گذار (دوره تطبیق دادن وضع داخلی با مقررات موافقت‌نامه) پیش‌بینی کرده است که این دوره براساس بند ۴ ماده ۶۵ و بند ۸ ماده ۷۰ در برخی موارد ویژه قابل تبدیل به ۱۰ سال نیز هست.^{۳۰}

گذشته از تسهیلات مربوط به دوره گذار، موافقتنامه مزبور در زمینه کمکهای فنی به این گروه از کشورها نیز قواعدی در نظر گرفته است. ماده ۶۷ این موافقتنامه می‌گوید:

«کشورهای توسعه یافته عضو برای آسان کردن اجرای این موافقتنامه، در صورت درخواست و برابر شرایط و ترتیباتی که در مورد آنها توافق خواهد شد، همکاریهای فنی و مالی به سود کشورهای در حال توسعه و کشورهای عضو با کمترین میزان توسعه یافتگی به عمل خواهند آورد. این همکاری شامل کمک در تهیه قوانین و مقررات برای

توسعه یافتگی کشورها صورت می‌گیرد، از یک سو برای کشورهای در حال توسعه این فرصت فراهم شده است تا از مهلت زمانی بیشتری در این زمینه بهره‌مند شوند و از سوی دیگر امکان تواناسازی این کشورها در اصلاح سیاستهای تجاری خود، در چارچوب برنامه‌های توسعه اقتصادی فراهم آمده است. همچنین، کشورهای در حال توسعه با انتشار نتایج بازنگری در سیاستهای تجاری‌شان می‌توانند از عملکرد کشورهای موفق در تجارت چه توسعه یافته و چه در حال توسعه، در سبایی سودمند فراگیرند.^{۵۴}

در زمینه خریدهای دولتی نیز که موضوع یکی از موافقتنامه‌های اختیاری سازمان جهانی بازرگانی است، گرچه اصل کلی حاکم بر آن، برابری شرکتهای داخلی و خارجی در خریدهای دولتی است، ولی ماده ۴ همین موافقتنامه، رفتار ویژه کشورهای در حال توسعه در این رابطه را جایز دانسته است و به این گروه از کشورها اجازه داده است در مورد مستثنی کردن تشکیلاتی معین، محصولاتی معین و خدماتی معین با دیگر طرفهای موافقتنامه وارد مذاکره شوند.^{۵۵}

دوم - از راه کمیته‌ها

۱- کمیتهای کمیته تجارت و توسعه

این کمیته دارای اختیارات گسترده‌ای است که از مهمترین آنها می‌توان به: چگونگی اجرای تمهیدات حمایتی در مورد کشورهای در حال توسعه، تعیین خطوط کلی همکاریهای فنی، افزایش مشارکت کشورهای در حال توسعه در نظام تجاری و موقعیت کشورهای کمتر توسعه یافته اشاره کرد.

کشورهای عضو باید برنامه‌های ویژه متضمن امتیازات تجاری برای محصولات کشورهای در حال توسعه و ترتیبات منطقه‌ای بین کشورهای در حال توسعه را به آگاهی سازمان جهانی بازرگانی برسانند. برای نمونه، در این راستا کمیته تجارت و توسعه موارد زیر را به آگاهی سازمان جهانی بازرگانی رسانده است:

- برنامه‌های نظام عمومی ترجیحات (GSP)

- بازار مشترک جنوبی در آمریکای لاتین (MERCOSUR)

- منطقه آزاد تجاری کشورهای جنوب شرق آسیا

(AFTA)

۲- کمیته فرعی کشورهای کمتر توسعه یافته

کمیته فرعی کشورهای کمتر توسعه یافته نیز به کمیته تجارت و توسعه گزارش می‌دهد که در جای خود مهم است. موضوع کار این کمیته به این شرح است:

حمایت از حقوق مالکیت معنوی و اجرای این حقوق و نیز جلوگیری از کاربرد نادرست آنها خواهد بود و پشتیبانی برای تأسیس یا تقویت دفاتر و سازمانهای داخلی مربوط به این مسایل، از جمله آموزش افراد را دربر خواهد گرفت.^{۵۶}

۳- در زمینه حل و فصل اختلافها

همچنین قاعده کلی رفتار ویژه با کشورهای در حال توسعه و کشورهای کمتر توسعه یافته در نظام حقوقی سازمان جهانی بازرگانی، «نظام حل و فصل اختلافها» را نیز دربر می‌گیرد. برای نمونه، در موارد زیر به کشورهای در حال توسعه اختیار داده شده است:

الف- انتخاب آیینی که رسیدگی به اختلافها را سرعت بخشد.

ب- درخواست مهلت زمانی بیشتر برای آمادگی به دفاع.

پ- درخواست معاضدتهای حقوقی تکمیلی از سازمان جهانی بازرگانی.

همچنین، دیگر اعضای سازمان می‌توانند ملاحظات ویژه‌ای در رابطه با وضع تکنولوژی در حال توسعه، به‌هنگام طرح اختلافها در نظر گیرند.

بر این پایه و با توجه به رعایت حقوق ویژه در مورد کشورهای در حال توسعه، این مکانیزم حل و فصل به گونه گسترده‌ای از سوی کشورهای در حال توسعه به کار گرفته شد، چنان که تا ۱۵ فوریه ۱۹۹۸، ۳۷ درخواست از سوی کشورهای در حال توسعه در مورد ۲۷ موضوع از کل ۸۳ موضوع مطرح شده، تسلیم این رکن شده است.^{۵۷}

همچنین در ماده (۳) از تفاهمنامه راجع به قواعد حاکم بر حل اختلافها، قواعدی ویژه به سود کشورهای در حال توسعه برقرار کرده است و نیز کاربرد خدمات حقوقی تکمیلی سازمان جهانی بازرگانی از سوی کشورهای در حال توسعه در طرح دعوی حقوقی بر ضد اعضای دیگر سازمان نیز یکی از حقوق ویژه این گروه از کشورها است که در تفاهمنامه این سازمان به رسمیت شناخته شده است.

۵- در زمینه بررسی سیاستهای تجاری و خریدهای دولتی

گذشته از این موارد، در سند مربوط به «مکانیزم بررسی سیاستهای تجاری و موافقتنامه مربوط به خریدهای دولتی» قواعد ویژه‌ای برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده است.^{۵۸} در واقع از آنجا که زمانبندی بررسی سیاستهای تجاری بر پایه توان اقتصادی و مقدار

- روشهای ادغام کشورهای دارای کمترین توسعه یافتگی در نظام تجاری چندجانبه همکاری فنی

کمیته فرعی در فواصل منظم، راههای اجرای مقررات به سود کشورهای دارای کمترین توسعه یافتگی را در موافقتنامه‌های سازمان جهانی بازرگانی بررسی می‌کند. سازمان همچنین دارای دو دستاورد اصلی است که می‌تواند به کشورهای دارای کمترین توسعه یافتگی برای بهتر ادغام شدن در نظام تجاری چندجانبه کمک کند:

- دادن این اطمینان که کشورهای دارای کمترین توسعه یافتگی در همکاریهای فنی سازمان جهانی بازرگانی مقدم‌اند و این کمکها ناظر به ظرفیت‌سازی برای برپایی نهادهای لازم در آموزش مهارت‌های مورد نیاز است. - تهیه برنامه اقدام سازمان جهانی بازرگانی برای کشورهای دارای کمترین توسعه یافتگی.^{۵۶}

سوم - از راه کمکهای آموزشی

۱- کمکهای فنی

همکاریها و کمکهای فنی، بخشی از کار سازمان جهانی بازرگانی است که یکسره ناظر به کشورهای در حال توسعه است و با توفیق زیادی در نظام تجاری چندجانبه عمل می‌کند. هدف از همکاریهای فنی، کمک به تشکیل نهادهای لازم و دادن آموزش به مقامات رسمی است. موضوع این همکاریها با سیاستهای تجاری و مذاکرات مؤثر ارتباط دارد.

۲- کمکهای حقوقی

دبیرخانه سازمان جهانی بازرگانی دارای مشاوران حقوقی ویژه برای کمک به کشورهای در حال توسعه است. کار آنها مشاوره و حل اختلاف است که از سوی دایره آموزش و همکاری فنی سازمان عرضه می‌شود و کشورهای مهم در حال توسعه هم اکنون از آن بهره‌مند می‌شوند.^{۵۷}

گفتار ۳- ارزیابی نسبی گرایش کشورهای

جنوب به همگرایی جهانی

چنان که در بخشهای پیشین گفته شد سازمان جهانی بازرگانی و پیش از آن گات، بر اثر جهانی شدن اقتصاد و تحولات مربوط به آن، پدید آمده‌اند و با پیش‌بینی برخی تمهیدات و امتیازها برای کشورهای جنوب، زمینه جلب این کشورها به روند همگرایی جهانی را فراهم آورده‌اند. در

اینجا با بررسی روند عضویت این کشورها در گات و سازمان جهانی بازرگانی و سپس بررسی اندازه مشارکت و نفوذ آنها در تصمیم‌گیریهای W.T.O و در پایان سنجش میزان سهم آنها در مبادلات جهانی - بعنوان شاخصهای مورد نظر این نوشته - به ارزیابی نسبی گرایش کشورهای جنوب به همگرایی جهانی می‌پردازیم.

الف - عضویت در گات و W.T.O

چنان که پیشتر اشاره شد، سازمان جهانی بازرگانی، شکل تکامل یافته «گات» و یکی از شاخصهای مهم جهانی شدن یا همگرایی جهانی است و گفته شد که همه اعضای گات از جمله اعضای در حال توسعه و توسعه نیافته آن خود به خود به عضویت سازمان جهانی بازرگانی درآمده‌اند و پس از پیدایش سازمان مزبور نیز گروه دیگری از کشورها درخواست عضویت در این سازمان داشته‌اند که با درخواست برخی از آنها موافقت شده است.

در واقع هر چند همگان، گات و جاننشین آن یعنی سازمان جهانی بازرگانی را باشگاه کشورهای صنعتی و ثروتمند به‌شمار می‌آورند، و در این زمینه تبلیغاتی نیز می‌شود، ولی رفتار کشورهای جهان نشان داده است که دست کم بیشتر دولتهای توسعه نیافته چنین برداشتی نداشته‌اند و با وجود برخی نارضایتیها، عضویت کشورهای کمتر توسعه یافته در گات چشمگیر بوده است.^{۵۸} به گونه‌ای که تا پیش از ۱۹۹۵ نزدیک به ۱۰۰ کشور در حال توسعه بدان پیوستند و سپس نیز به عضویت سازمان جهانی بازرگانی درآمدند. (جدول شماره ۱)

برای نمونه، در فهرست کشورهای عضو گات (۱۹۴۷) و نیز اعضای سازمان جهانی بازرگانی، نام بسیاری از کشورهای توسعه نیافته و حتی دارای نظام سوسیالیستی دیده می‌شود. همچنین ۲۰ کشور در حال توسعه و توسعه نیافته پس از پیدایش سازمان مزبور به عضویت آن درآمده‌اند. (جدول شماره ۲)

برسرم می‌توان گفت که از ۱۴۸ عضو سازمان جهانی بازرگانی بیش از ۱۱۹ کشور را کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته یا دارای کمترین توسعه یافتگی تشکیل می‌دهند و همچنین از ۴۸ کشور کمتر توسعه یافته‌ای که هم اکنون در فهرست اعضای سازمان ملل متحد قرار دارند ۳۰ کشور به عضویت سازمان جهانی بازرگانی درآمده‌اند و ۹ کشور از این گروه نیز در راه پیوستن به این سازمان هستند (جدول‌های شماره ۱ و ۲ و ۳ و نمودار شماره ۱) که این

گذشته از این، روند کلی مشارکت کشورهای در حال توسعه در تصمیم‌گیری سازمان جهانی بازرگانی، مثبت و با شتاب بوده است، به گونه‌ای که نقش کشورهای در حال توسعه در فعالیتهای سازمان چنان چشمگیر شده است که حتی عهده‌دار شدن مدیریت سازمان مزبور نیز مورد توجه این گروه از کشورها قرار گرفته است. برپایه این خواسته، سازمان جهانی بازرگانی در نشست ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۹ برای تعیین مدیر کل جدید سازمان به کار جالبی دست زد؛ مقرر شد برای یک دوره سه ساله از سپتامبر ۱۹۹۹ «هایک مور» از نیوزلند مدیر کل سازمان شود و پس از پایان این دوره یعنی از سپتامبر ۲۰۰۲، «سوپاجای پانتیج پاکدی» که پیشتر وزیر تجارت تایلند بود، مدیر کلی این سازمان مهم جهانی را به دست گیرد. نکته جالب دیگر، ریاست «علی مکومو» از کشور تانزانیا بر شورای عمومی سازمان در مذاکرات مهم یاد شده است.

آقای پانتیج پاکدی پیش از آغاز دوره مدیر کلی خود در سازمان جهانی بازرگانی در سمیناری با اشاره به نقش بیش از پیش کشورهای در حال توسعه گفت:

«گزینه من بعنوان مدیر کل آینده سازمان جهانی بازرگانی، نشانه لزوم توجه بیشتر به کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته است. به گونه سنتی، گات باشگاه ثروتمندان شمرده می‌شد، ولی اکنون نگرش به این سازمان دگرگونی اساسی یافته است. نامزدی من و سفیر مراکش نمونه‌ای از رویکرد تازه در برابر کشورهای در حال توسعه است.»^{۶۱}

همچنین در سال ۲۰۰۱ اعضای سازمان در چهارمین کنفرانس وزیران در دوحه، اهمیت نقش موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای در ترویج آزادسازی تجاری و سرعت بخشیدن به توسعه اقتصادی کشورها را یادآور شدند و بر لزوم ارتباط هماهنگ میان فرایندهای منطقه‌ای و چندجانبه برای آغاز گفتگوها و به منظور شفافیت و بهبود روشها و ترتیبات مرتبط با موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای با در نظر گرفتن جنبه‌های توسعه‌ای آن تأکید کردند.^{۶۲}

پیش‌بینی می‌شود که با تحقق یافتن عضویت کامل چین، موضع کشورهای در حال توسعه در این سازمان تقویت شود.^{۶۳}

ب- سهم کشورهای جنوب در مبادلات جهانی

مشارکت کشورهای در حال توسعه جنوب در فرایندهای جهانی بویژه در تجارت جهانی می‌تواند از دیگر

مقدار تقاضای عضویت در سازمان، خود از يك سو میباید گرایش این کشورها به همگرایی در سطح جهانی و از سوی دیگر نشان دهنده حضور پویای آنها در اقتصاد جهانی است.

ب- میزان مشارکت و نفوذ جنوب در تصمیم‌گیریهای W.T.O

حضور چشمگیر کشورهای جنوب در سازمان جهانی بازرگانی، از يك سو و افزایش اهمیت آنها در اقتصاد جهانی از سوی دیگر، سبب شده است که این کشورها اثری بسزا در تصمیمات سازمان جهانی بازرگانی و بویژه از نظر رویکرد ویژه در برابر کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته داشته باشند. در واقع این رویکرد را می‌توان در چگونگی تنظیم برخی از موافقتنامه‌های سازمان دید که در آنها به علت شرایط ویژه این گروه از کشورها، مقررات ویژه و ترجیحی به سود آنها تدوین شده است که این موضوع در تاریخ سازمانهای بین‌المللی کم سابقه است.

در همین زمینه می‌توان به نقش پویای کشورهای در حال توسعه در تنظیم دستور کار نشست وزیران کشورهای عضو سازمان در دسامبر ۱۹۹۹ در سیاتل آمریکا اشاره کرد که حاصل ماهها تلاش کشورهای عضو سازمان بود. برای برگزاری این نشست نزدیک به ۱۵۷ پیشنهاد به دبیرخانه سازمان رسید که نیمی از آن از سوی کشورهای در حال توسعه بود که این موضوع نشانگر اشتیاق آنها به مشارکت بیشتر در برنامه‌های سازمان است.^{۵۹}

در سومین نشست وزیران کشورهای عضو سازمان جهانی بازرگانی (نشست سیاتل) نیز گروه کشورهای در حال توسعه حضوری پویا و گاه تعیین کننده داشتند. در نخستین نشست مذاکرات اصلی و تنظیم پیش‌نویس قطعنامه پایانی به ۵ گروه کاری داده شده بود که ریاست سه گروه کاری را نمایندگان کشورهای در حال توسعه داشتند:

الف- کشاورزی، نماینده سنگاپور.

ب- دسترسی به بازار خدمات، نماینده لسوتو.

پ- موضوعات تشکیلاتی سازمان، نمایندگان شیلی و فیجی به گونه مشترک.

همچنین به گفته یکی از ناظران ایرانی شرکت کننده در این نشست، ناخرسندی گروه کشورهای در حال توسعه، یکی از عوامل شکست آن بوده است زیرا برای نمونه، این کشورها از شفاف نبودن فرایند کار سازمان جهانی بازرگانی و کنار گذاشته شدن خود از مذاکرات «اتاق سبز» (اتاق کنفرانس خصوصی دبیر کل پیشین) ناخرسند بودند.^{۶۰}

جدول (۱) نخستین اعضای سازمان جهانی بازرگانی (اصناف گات)

تاریخ عضویت در سازمان جهانی بازرگانی	تاریخ ورود به گات	عضو	ردیف
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱ ژانویه ۱۹۴۸	آمریکا	۱
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱ ژانویه ۱۹۴۸	انگلستان	۲
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱ ژانویه ۱۹۴۸	فرانسه	۳
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱ ژانویه ۱۹۴۸	بلژیک	۴
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱ ژانویه ۱۹۴۸	هلند	۵
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱ ژانویه ۱۹۴۸	لوکزامبورگ	۶
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱ ژانویه ۱۹۴۸	کانادا	۷
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱ ژانویه ۱۹۴۸	استرالیا	۸
۲۰ آوریل ۱۹۹۵	۱ ژانویه ۱۹۴۸	کوبا	۹
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱۳ ژوئن ۱۹۴۸	آفریقای جنوبی	۱۰
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۸ ژوئیه ۱۹۴۸	هند	۱۱
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱۰ ژوئیه ۱۹۴۸	نروژ	۱۲
۳ مارس ۱۹۹۵	۱۱ ژوئیه ۱۹۴۸	زیمبابوه (رودزیای جنوبی)	۱۳
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۲۹ ژوئیه ۱۹۴۸	میانمار (برمه)	۱۴
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۲۹ ژوئیه ۱۹۴۸	سری لانکا (سیلان)	۱۵
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۳۰ ژوئیه ۱۹۴۸	برزیل	۱۶
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۳۰ ژوئیه ۱۹۴۸	زلاندنو	۱۷
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۳۰ ژوئیه ۱۹۴۸	پاکستان	۱۸
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱۶ مارس ۱۹۴۹	شیلی	۱۹
۳۰ ژانویه ۱۹۹۶	۱ ژانویه ۱۹۵۰	هائیتی	۲۰
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۲۴ فوریه ۱۹۵۰	اندونزی	۲۱
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱ مارس ۱۹۵۰	یونان	۲۲
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۳۰ آوریل ۱۹۵۰	سوئد	۲۳
۹ مارس ۱۹۹۵	۱۹ مه ۱۹۵۰	دومینیک	۲۴
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۲۵ مه ۱۹۵۰	فنلاند	۲۵
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۲۸ مه ۱۹۵۰	دانمارک	۲۶
۳ سپتامبر ۱۹۹۵	۲۸ مه ۱۹۵۰	نیکاراگوئه	۲۷
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۳۰ مه ۱۹۵۰	ایتالیا	۲۸
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱ اکتبر ۱۹۵۱	آلمان	۲۹
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱۷ اکتبر ۱۹۵۱	پرو	۳۰
۲۶ مارس ۱۹۹۵	۱۷ اکتبر ۱۹۵۱	ترکیه	۳۱
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱۹ اکتبر ۱۹۵۱	اتریش	۳۲
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۶ دسامبر ۱۹۵۳	اروگوئه	۳۳
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱۵ دسامبر ۱۹۵۵	ژاپن	۳۴
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱۷ اکتبر ۱۹۵۷	غنا	۳۵
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۲۴ اکتبر ۱۹۵۷	مالزی	۳۶
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱۸ نوامبر ۱۹۶۰	نیجریه	۳۷
۲۳ ژوئیه ۱۹۹۵	۱۹ مه ۱۹۶۱	سیرالئون	۳۸
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۹ دسامبر ۱۹۶۱	تانزانیا	۳۹
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۶ دسامبر ۱۹۶۲	پرتغال	۴۰

۲۱ آوریل ۱۹۹۵	۵ ژوئیه ۱۹۶۲	اسرائیل	۴۱
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۲۳ اکتبر ۱۹۶۲	لوگاندا	۴۲
۱ مارس ۱۹۹۵	۲۳ اکتبر ۱۹۶۲	ترینیداد و توباگو	۴۳
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۳ مه ۱۹۶۳	کویت	۴۴
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۳ مه ۱۹۶۳	گابون	۴۵
۳ ژوئن ۱۹۹۵	۳ مه ۱۹۶۳	بورکینافاسو	۴۶
۳۱ مه ۱۹۹۵	۳ مه ۱۹۶۳	آفریقای مرکزی	۴۷
۱۳ دسامبر ۱۹۹۵	۳ مه ۱۹۶۳	کامرون	۴۸
۲۷ مارس ۱۹۹۷	۳ مه ۱۹۶۳	کنگو	۴۹
۱۹ اکتبر ۱۹۹۶	۱۲ ژوئیه ۱۹۶۳	چاد	۵۰
۳۰ ژوئیه ۱۹۹۵	۱۵ ژوئیه ۱۹۶۳	قبرس	۵۱
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۲۹ اوت ۱۹۶۳	اسپانیا	۵۲
۲۲ فوریه ۱۹۹۶	۱۲ سپتامبر ۱۹۶۳	بنین	۵۳
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۲۷ سپتامبر ۱۹۶۳	سنگال	۵۴
۳۱ مه ۱۹۹۵	۳۰ سپتامبر ۱۹۶۳	موریتانی	۵۵
۱۷ نوامبر ۱۹۹۵	۳۰ سپتامبر ۱۹۶۳	ماداگاسکار	۵۶
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۳۱ دسامبر ۱۹۶۳	ساحل عاج	۵۷
۹ مارس ۱۹۹۵	۳۱ دسامبر ۱۹۶۳	جامائیکا	۵۸
۱۳ دسامبر ۱۹۹۶	۳۱ دسامبر ۱۹۶۳	نیجر	۵۹
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۵ فوریه ۱۹۶۴	کنیا	۶۰
۳۱ مه ۱۹۹۵	۲۰ مارس ۱۹۶۴	توگو	۶۱
۳۱ مه ۱۹۹۵	۲۸ اوت ۱۹۶۴	مالاوی	۶۲
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱۷ نوامبر ۱۹۶۴	مالت	۶۳
۲۳ اکتبر ۱۹۹۶	۲۲ فوریه ۱۹۶۵	گامبیا	۶۴
۲۳ ژوئیه ۱۹۹۵	۱۳ مارس ۱۹۶۵	بوروندی	۶۵
۲۲ مه ۱۹۹۶	۱ ژانویه ۱۹۶۶	رواندا	۶۶
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۵ ژوئیه ۱۹۶۶	گویان	۶۷
۱ ژوئیه ۱۹۹۵	۱ اوت ۱۹۶۶	سویس	۶۸
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱۵ فوریه ۱۹۶۷	باربادوس	۶۹
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱۴ آوریل ۱۹۶۷	کره جنوبی	۷۰
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱۱ اکتبر ۱۹۶۷	آرژانتین	۷۱
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱۸ اکتبر ۱۹۶۷	لهستان	۷۲
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۲۲ دسامبر ۱۹۶۷	ایرلند	۷۳
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۲۱ آوریل ۱۹۶۸	ایسلند	۷۴
۳۰ ژوئن ۱۹۹۵	۹ مه ۱۹۷۰	مصر	۷۵
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۲ سپتامبر ۱۹۷۰	موریس	۷۶
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱۱ سپتامبر ۱۹۷۱	جمهوری دموکراتیک کنگو (زئیر)	۷۷
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱۴ نوامبر ۱۹۷۱	رومانی	۷۸
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱۶ دسامبر ۱۹۷۲	بنگلادش	۷۹
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۲۰ اوت ۱۹۷۳	سنگاپور	۸۰
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۹ سپتامبر ۱۹۷۳	مجارستان	۸۱
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۲۲ مارس ۱۹۷۸	سورینام	۸۲
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۲۷ دسامبر ۱۹۷۹	فیلیپین	۸۳
۳۰ آوریل ۱۹۹۵	۳ اکتبر ۱۹۸۱	کلمبیا	۸۴
۱ ژانویه ۱۹۹۵	۱۰ فوریه ۱۹۸۲	زامبیا	۸۵

۱۹۹۵ ژانویه ۱	۲۰ نوامبر ۱۹۸۳	تایلند	۸۶
۱۹۹۵ مه ۳۱	۱۹ آوریل ۱۹۸۳	مالدیو	۸۷
۱۹۹۵ ژانویه ۱	۱۷ اکتبر ۱۹۸۳	بلیز	۸۸
۱۹۹۵ ژانویه ۱	۲۳ آوریل ۱۹۸۶	هنگ کنگ	۸۹
۱۹۹۵ ژانویه ۱	۲۴ اوت ۱۹۸۶	مکزیک	۹۰
۱۹۹۵ ژانویه ۱	۳۰ مارس ۱۹۸۷	آنتیگوا و باربودا	۹۱
۱۹۹۵ ژانویه ۱	۱۷ ژوئن ۱۹۸۷	مراکش	۹۲
۱۹۹۵ مه ۳۱	۲۸ اوت ۱۹۸۷	بوتسوانا	۹۳
۱۹۹۵ مه ۳۱	۸ ژانویه ۱۹۸۸	لسوتو	۹۴
۱۹۹۵ مارس ۲۹	۲۹ اوت ۱۹۹۰	تونس	۹۵
۱۹۹۵ ژانویه ۱	۳۱ اوت ۱۹۹۰	ونزوئلا	۹۶
۱۹۹۵ سپتامبر ۳۱	۸ سپتامبر ۱۹۹۰	بولیوی	۹۷
۱۹۹۵ ژانویه ۱	۲۴ نوامبر ۱۹۹۰	کاستاریکا	۹۸
۱۹۹۵ ژانویه ۱	۱۱ ژانویه ۱۹۹۱	ماکائو	۹۹
۱۹۹۵ مه ۷	۲۲ مه ۱۹۹۱	السالوادور	۱۰۰
۱۹۹۵ ژوئیه ۲۱	۱۰ اکتبر ۱۹۹۱	گواتمالا	۱۰۱
۱۹۹۵ اوت ۲۶	۲۷ ژوئیه ۱۹۹۲	موزامبیک	۱۰۲
۱۹۹۵ ژانویه ۱	۱۵ سپتامبر ۱۹۹۲	نامیبیا	۱۰۳
۱۹۹۵ مه ۳۱	۱۱ ژانویه ۱۹۹۳	مالی	۱۰۴
۱۹۹۵ ژانویه ۱	۸ فوریه ۱۹۹۳	سوازیلند	۱۰۵
۱۹۹۵ ژانویه ۱	۱۳ آوریل ۱۹۹۳	سنت لوسیا	۱۰۶
۱۹۹۵ ژانویه ۱	۱۵ آوریل ۱۹۹۳	چک	۱۰۷
۱۹۹۵ ژانویه ۱	۱۵ آوریل ۱۹۹۳	اسلواکی	۱۰۸
۱۹۹۵ ژانویه ۱	۲۰ آوریل ۱۹۹۳	دومینیکا	۱۰۹
۱۹۹۵ ژانویه ۱	۱۸ مه ۱۹۹۳	سنت وینسنت و گرنادین	۱۱۰
۱۹۹۶ ژانویه ۱۴	۱۶ نوامبر ۱۹۹۳	فیجی	۱۱۱
۱۹۹۵ ژانویه ۱	۹ دسامبر ۱۹۹۳	برونئی دارالسلام	۱۱۲
۱۹۹۵ ژانویه ۱	۱۳ دسامبر ۱۹۹۳	بحرین	۱۱۳
۱۹۹۵ ژانویه ۱	۶ ژانویه ۱۹۹۴	پاراگوئه	۱۱۴
۱۹۹۶ فوریه ۲۲	۹ فوریه ۱۹۹۴	گرانادا	۱۱۵
۱۹۹۶ آوریل ۱۰	۸ مارس ۱۹۹۴	امارات متحده عربی	۱۱۶
۱۹۹۵ مه ۳۱	۱۷ مارس ۱۹۹۴	گینه بیسائو	۱۱۷
۱۹۹۶ فوریه ۲۱	۲۴ مارس ۱۹۹۴	سنت کیتس و نویس	۱۱۸
۱۹۹۵ سپتامبر ۱	۲۹ مارس ۱۹۹۴	لیختن اشتاین	۱۱۹
۱۹۹۶ ژانویه ۱۳	۷ آوریل ۱۹۹۴	قطر	۱۲۰
۱۹۹۶ دسامبر ۱	۸ آوریل ۱۹۹۴	آنگولا	۱۲۱
۱۹۹۵ ژانویه ۱	۱۰ آوریل ۱۹۹۴	هندوراس	۱۲۲
۱۹۹۵ ژوئیه ۳۰	۳۰ اکتبر ۱۹۹۴	اسلوانی	۱۲۳
۱۹۹۵ اکتبر ۲۵	۸ دسامبر ۱۹۹۴	گینه	۱۲۴
۱۹۹۵ مه ۳۱	۱۶ دسامبر ۱۹۹۴	جیبوتی	۱۲۵
۱۹۹۶ ژوئن ۶	۱۶ دسامبر ۱۹۹۴	گینه نوپاپوا	۱۲۶
۱۹۹۶ ژوئیه ۲۶	۲۸ دسامبر ۱۹۹۴	جزایر سلیمان	۱۲۷
۱۹۹۵ ژانویه ۱	—	اتحادیه (جامعه) اروپا**	۱۲۸

* نام رسمی جامعه / اتحادیه اروپا در سازمان جهانی بازرگانی، جوامع اروپایی (European Communities) است.

** منبع: دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران - وزارت بازرگانی

ارزش صادرات و واردات کشورهای و مناطق در حال توسعه نیز پس از برابری سازمان جهانی بازرگانی افزایش بسیار چشمگیر یافته است. برای نمونه، ارزش صادرات و واردات کشورهای آفریقا و آسیا در ۱۹۹۰ به ترتیب ۱۰۶،۴۶۹ میلیون دلار و ۵۸۹،۹۹۹ میلیون دلار بوده است در حالی که در ۲۰۰۰ به ۱۳۴،۸۸۱ میلیون و ۱،۵۴۹،۵۶۶ میلیون دلار افزایش یافته است؛ یا ارزش صادرات و واردات خدمات کشورهای آفریقای و آسیایی که در ۱۹۹۰ به ترتیب ۲۱۴۷۴ و ۹۶۱۰۶ میلیون دلار بوده، در ۱۹۹۵ به ترتیب ۲۷،۵۷۱ و ۲۰۸،۵۰۰ میلیون دلار و در ۲۰۰۰ به ترتیب به ۳۳،۰۸۳ و ۲۶۹،۸۰۴ میلیون دلار رسیده است. ۶۵

از سوی دیگر، در کشورهای در حال توسعه، سهم تجارت (مجموع صادرات و واردات) از حدود ۳۳ درصد در میانه دهه ۱۹۸۰ به نزدیک ۴۳ درصد در پایان دهه ۹۰ افزایش یافته و در دهه آینده می تواند از ۵۰ درصد فراتر رود. این رشد سریع نشان دهنده برون گرایی فزاینده کشورهای در حال توسعه و گذار کشورهای سوسیالیستی پیشین به اقتصاد بازار است. همچنین هفت سال پس از آغاز مذاکرات دُورار و گوته در سال ۱۹۸۶، از ۷۲ اقدام مستقل در زمینه آزادسازی که به «گات» گزارش شد، ۵۷ مورد مربوط به کشورهای در حال توسعه بود.

شرکت فزاینده کشورهای در حال توسعه در تجارت جهانی با حضور فزاینده آنها در مبادلات مالی همراه است. در سالهای ۱۹۹۰-۹۴ ورود سرمایه خصوصی به کشورهای در حال توسعه چهار برابر شده است. این سرمایه خصوصی نزدیک به سه چهارم کل سرمایه بلندمدت وارد شده به کشورهای در حال توسعه است و برخلاف گذشته که وامهای بانکی برتری داشت، اکنون سرمایه مالی وارداتی تنوع بیشتری یافته است.

گذشته از این، سهم کشورهای در حال توسعه از سرمایه گذاری مستقیم خارجی در جهان از ۲۳ درصد در میانه دهه ۱۹۸۰ به بیش از ۴۰ درصد در سالهای ۱۹۹۲-۹۴ رسیده است. ولی با اینکه بر سر هم حضور کشورهای در حال توسعه در بازار جهانی رو به افزایش است، سطح و سرعت آن برای

جدول (۲) اعضای پیوسته به سازمان جهانی بازرگانی

ردیف	نام کشور	تاریخ عضویت
۱	اکوادور	۲۱ ژانویه ۱۹۹۶
۲	بلغارستان	۱ دسامبر ۱۹۹۶
۳	مغولستان	۲۹ ژانویه ۱۹۹۷
۴	پاناما	۶ سپتامبر ۱۹۹۷
۵	قرقیزستان	۲۰ دسامبر ۱۹۹۸
۶	لتونی	۱۰ فوریه ۱۹۹۹
۷	استونی	۱۳ نوامبر ۱۹۹۹
۸	اردن	۱۱ آوریل ۲۰۰۰
۹	گرجستان	۱۴ ژوئن ۲۰۰۰
۱۰	آلبانی	۸ سپتامبر ۲۰۰۰
۱۱	عمان	۹ نوامبر ۲۰۰۰
۱۲	کرواسی	۳۰ نوامبر ۲۰۰۰
۱۳	لیتوانی	۸ مه ۲۰۰۱
۱۴	مولداوی	۲۶ ژوئیه ۲۰۰۱
۱۵	چین	۱۱ دسامبر ۲۰۰۱
۱۶	تایوان**	۱۱ ژانویه ۲۰۰۲
۱۷	ارمنستان	۵ فوریه ۲۰۰۳
۱۸	مقدونیه	۴ آوریل ۲۰۰۳
۱۹	نیپال	۲۳ آوریل ۲۰۰۴
۲۰	کامبوج	

*-منبع: دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران-وزارت بازرگانی

**-نام رسمی تایوان در سازمان جهانی بازرگانی، قلمروی جداگانه گمرکی تایوان، پنگو، کینمن و ماتسو است

شاخصهای ارزیابی گرایش این کشورها به همگرایی جهانی باشد. سهم کشورهای در حال توسعه در تجارت جهانی کالا از ۳۳ درصد در میانه دهه ۱۹۸۰ به ۴۳ درصد در ۱۹۹۵ رسید و پیش بینی می شود که چین در ۲۰۲۰ به بزرگترین اقتصاد جهان تبدیل شود و در آن صورت کشورهای در حال توسعه بیش از ۶۰ درصد تولید جهانی را از آن خود خواهند کرد. در واقع میزان مشارکت مناطق و کشورهای جنوب بویژه کشورهای در حال توسعه در صادرات جهان از ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ پیوسته رو به افزایش بوده است. همچنین میزان واردات مناطق و کشورهای در حال توسعه در همین دوره همواره روند فزاینده داشته است. گذشته از این، در همین مدت تجارت خدمات نیز بویژه در سالهای پس از برابری سازمان جهانی بازرگانی برای کشورها و مناطق در حال توسعه با گره های جهش همراه بوده است.

الف) کشورهای در حال پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی

ردیف	کشورهای در حال پیوستن	سال تشکیل گروه کاری	ردیف	کشور در حال پیوستن	سال تشکیل گروه کاری
۱	الجزایر	۱۹۸۷	۱۴	اندورا	۱۹۹۷
۲	روسیه	۱۹۹۳	۱۵	لاتوس	۱۹۹۸
۳	عریستان	۱۹۹۳	۱۶	ساموآ	۱۹۹۸
۴	روسیه سفید	۱۹۹۳	۱۷	لبنان	۱۹۹۹
۵	اوکراین	۱۹۹۳	۱۸	یوسنی و هرزگوین	۱۹۹۹
۶	سودان	۱۹۹۴	۱۹	یوتان	۱۹۹۹
۷	ازبکستان	۱۹۹۴	۲۰	یمن	۲۰۰۰
۸	ویتنام	۱۹۹۵	۲۱	کاپ ورد (دماغه سبز)	۲۰۰۰
۹	وانواتو	۱۹۹۵	۲۲	صربستان و مونتنگرو (یوگسلاوی)	۲۰۰۱
۱۰	سیشل	۱۹۹۵	۲۳	تاجیکستان	۲۰۰۱
۱۱	تونگا	۱۹۹۵	۲۴	باهاما	۲۰۰۱
۱۲	قزاقستان	۱۹۹۶	۲۵	اتیوپی	۲۰۰۳
۱۳	آذربایجان	۱۹۹۷	۲۶	لیبی	۲۰۰۴

ب) دیگر اعضای ناظر در سازمان جهانی بازرگانی

ردیف	کشور ناظر	سال عضویت ناظر
۲۷	واتیکان	۱۹۹۷
۲۸	سائوتومه و پرنسپ	۲۰۰۱
۲۹	گینه استوایی	۲۰۰۲
۳۰	عراق	۲۰۰۴

کشورهای گوناگون بسیار متفاوت است. برای نمونه، در زمینه تجارت، بیشترین اختلاف بین آسیای شرقی و آفریقا وجود دارد. پیوند شرق آسیا با تجارت جهانی سریع و پیوسته بوده است، ولی در کشورهای جنوب صحرای آفریقا، سهم تجارت از تولید ناخالص داخلی تا چندی پیش رو به کاهش بوده و هنوز بسیار کمتر از ۲۰ سال پیش است. پیوند آمریکای لاتین، جنوب آسیا، اروپا و آسیای مرکزی با تجارت جهانی هم به تازگی بر اثر گرایش آنها به اصلاحات برون گرایانه و آغاز دگرگونی سیستمی تا اندازه‌ای افزایش یافته است.^{۶۶}

کشورهای صنعتی روانه کشورهای در حال توسعه می‌شد، ولی اکنون این مقدار به حدود یک چهارم افزایش یافته است و شاید تا پایان دهه بعد به یک سوم برسد. در سالهای ۹۲-۱۹۹۱ که بیشتر کشورهای صنعتی گرفتار رکود بودند، کشورهای در حال توسعه سه چهارم رشد صادرات جهان را جذب کردند. بدین سان رشد اقتصادی کشورهای صنعتی بر پایه قدرت خرید می تواند از سطح کنونی ۴۳ درصد به بیش از ۵۰ درصد در دهه آینده برسد.^{۶۷}

گذشته از این، تغییراتی نیز از لحاظ بسته شدن موافقتنامه‌های دوجانبه میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته پدید آمده است. در این زمینه باید به موافقتنامه اروپا-مدیترانه که میان اتحادیه اروپا و شمال آفریقا بسته شده و جایگزین موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای غیر متقابل سال ۱۹۷۰ شده است، اشاره کرد. همچنین است

کشورهای گوناگون بسیار متفاوت است. برای نمونه، در زمینه تجارت، بیشترین اختلاف بین آسیای شرقی و آفریقا وجود دارد. پیوند شرق آسیا با تجارت جهانی سریع و پیوسته بوده است، ولی در کشورهای جنوب صحرای آفریقا، سهم تجارت از تولید ناخالص داخلی تا چندی پیش رو به کاهش بوده و هنوز بسیار کمتر از ۲۰ سال پیش است. پیوند آمریکای لاتین، جنوب آسیا، اروپا و آسیای مرکزی با تجارت جهانی هم به تازگی بر اثر گرایش آنها به اصلاحات برون گرایانه و آغاز دگرگونی سیستمی تا اندازه‌ای افزایش یافته است.^{۶۶}

روی هم رفته افزایش نقش بین‌المللی کشورهای در حال توسعه بدین معناست که آنها اثر اقتصادی بیشتری در کشورهای صنعتی جهان خواهند گذاشت. برای نمونه، در اواخر دهه ۱۹۸۰، تنها نزدیک به یک پنجم صادرات

کشورهای طرف متعاقد گات	نخستین کشورهای عضو (۱۲۵ کشور)	کشورهای عضو (۱۴۴ کشور)***	کل کشورهای جهان (۱۹۲ کشور)**
اکوادور، بلغارستان، مغولستان پاناما، قرقیزستان، لتونی (لاتونی)، استونی، اردن، گرجستان، آلبانی، عمان، کرواسی، لیتوانی، مولداوی، چین، ارمنستان، مقدونیه، نپال، کامبوج****	کشورهای پیوسته (۱۹ کشور)	کشورهای ناظر (۳۰ کشور)	
الجزایر، روسیه، عربستان، روسیه سفید، اوکراین، سودان، ازبکستان، کامبوج، ویتنام، واتوآتو، سیشل، تونگا، قزاقستان، آذربایجان، اندورا، لاتوس، ساموآ، لبنان، بوسنی و هرزگوین، یوتان، یمن، کیپ ورد (دماغه سبز)، صربستان و مونتنگرو (یوگسلاوی)، تاجیکستان، پاهاما، اتیوپی	کشورهای در حال پیوستن (۲۶ کشور)	کشورهای غیر عضو (۴۸ کشور)	
واتیکان، سائوتومه و پرنسپ، گینه استوایی، عراق	کشورهایی که خواهان پیوستن نبوده اند (۴ کشور)	کشورهای غیر ناظر (۱۸ کشور)	
ایران، سوریه، افغانستان	کشورهای خواهان پیوستن (۳ کشور)		
ترکمنستان، کره شمالی، تیمور شرقی، سومالی، اریتره، لیبیا، کومور، موناکو، سان مارینو، جزایر مارشال، جزایر میکرونزی، کریباتی، نائورو، پالاتو، تووالو	کشورهایی که خواهان پیوستن نبوده اند (۱۵ کشور)		

* منبع: دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، وزارت بازرگانی.

** کشورهای عضو سازمان ملل متحد و واتیکان.

*** سازمان جهانی بازرگانی ۱۴۸ عضو دارد که سه عضو اولیه (هنگ کنگ، ماکائو و جامعه / اتحادیه اروپا) و یک عضو پیوسته به آن (تایوان) کشور شمرده نمی شوند و حوزه مستقل گمرکی به شمار می روند.

**** گفتگوهای مربوط به پیوستن کامبوج پایان یافته و عضویت این کشور به تصویب سازمان جهانی بازرگانی رسیده است و تنها نیازمند تصویب داخلی است. این کشور تا سپتامبر ۲۰۰۴ فرصت داشت آن را به تصویب مجلس ملی خود برساند و یک ماه پس از اعلام تصویب پروتکل پیوستن خود، یکصد و چهل و هشتمین عضو سازمان جهانی بازرگانی خواهد بود.

توسعه نیافتۀ جنوب را به گونه دیگری از همگرایی، یعنی همگرایی جهانی فراهم آورد. در واقع تا پیش از یا گرفتن W.T.O این کشورها حضور و نقش مؤثری در نظام جهانی و سازو کارهای آن نداشتند، اما در پرتو جهانی شدن اقتصاد، گسترش روابط بین المللی و بویژه تأسیس سازمانهایی بین المللی همچون سازمان جهانی بازرگانی، این کشورها از یک سو فرصت مشارکت در فرایندها و مبادلات جهانی و از سوی دیگر به منظور کاهش پیامدهای منفی آن، انگیزه های لازم برای تقویت پیوندهای منطقه ای به دست آوردند. چنان که اشاره شد، یکی از مهمترین عوامل تقویت

در مورد موافقتنامه میان اتحادیه اروپا و گروه کشورهای آفریقا، حوزه کارائیب و اقیانوس آرام که پس از «کوتونو» بسته شده است. ۶۸ بنابراین می توان گفت که کشورهای در حال توسعه نه تنها به سوی همگرایی جهانی گامهای بلندی برداشته اند، بلکه نیروی پویا برای جهانی شدن نیز به شمار می روند.

نتیجه گیری

جهانی شدن اقتصاد با شکل گیری GATT و سپس برپا شدن W.T.O، بستر گرایش کشورهای در حال توسعه و

Paul Krayman. Past and prospective causes of high unemployment "Economic Review 70 (4), 1996. pp.342-358.

۹. حسین پوراحمدی میبیدی، «دیالکتیک جدید سیستم اقتصاد سیاسی بین الملل: جهانی شدن اقتصاد و منطقه گرایی اقتصادی و تجاری»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۵۶-۱۵۵، (مرداد و شهریور ۱۳۷۹)، صص ۱۸۸-۱۸۷.

۱۰. اخوی احمد، تجارت بین الملل، استراتژی بازرگانی و توسعه اقتصادی، (تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۳)، صص الف، ج و د. همچنین جهت مطالعه استراتژیهای تجارت و توسعه کشورهای در حال توسعه نگاه کنید به: توماس لارسون، دیوید اسکیدمور، اقتصاد سیاسی بین الملل، ترجمه احمد ساعی و مهدی تقوی، (تهران، قومس، ۱۳۷۶) فصل نهم صص ۲۵۱-۲۴۹.

۱۱. حسین پوراحمدی میبیدی، پیشین، صص ۱۸۸.

۱۲. خورماتین، جهانی شدن و جنوب، ترجمه صلاح الدین چشمه خاور (تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۲)، صص ۳-۲.

۱۳. پیشین، صص ۵۹.

14. L. sklaire, *Capitalism and Development*, London, Routledge. 1994, pp. 17-34.

۱۵. رضا سیمیر، «جهانی شدن اقتصاد و تأثیر آن بر حاکمیت ملی کشورها»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۷۶-۱۷۵، (فروردین - اردیبهشت ۱۳۸۱) صص ۷۲.

۱۶. پیشین، صص ۱۸۹.

۱۷. علیرضا رحیمی بروجردی، «شمال و جنوب در فرایند همگرایی و جهانی شدن: تقابل یا تعامل»، سیاست خارجی، (تابستان ۱۳۸۲)، صص ۵۰۳.

18. Loud Development Countries (LDC)

۱۹. پاکدامن رضا، رفتار ویژه با کشورهای در حال توسعه در نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت (تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۹)، صص ۲۹-۲۵، (تلخیص).

20. Ichiro Arokian Gabriel Marceu, *GATT/WTO Code of Conduct, The Legal Management of International Trade Relations* (Geneva The W.T.O Secretariat 1995).

21. International Trade Center (ITC).

22. United Nation Development Program (UNDP).

23. Generalized System of Preferences (GSP).

۲۴. پیشین، صص ۳۱-۳۰.

۲۵. بهنام مجتهدی، ایرج، نحوه استفاده از تعرفه های ترجیحی اتحادیه اروپا به منظور توسعه صادرات (تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۵).

26. Differential and More Favorable Treatment Reciprocity and Fuller Participation of Developing Countries.

27. Enabling Clause.

همگرایی جهانی میان کشورهای جنوب پیدایش GATT و سپس W.T.O بوده است که با پیش بینی شدن برخی امتیازات ویژه از جمله در نظام حقوقی مندرج در موافقتنامه های این سازمان، تشکیل کمیته های ویژه و آموزشهای فنی و حقوقی، بستر، علاقه و انگیزه لازم را برای گرایش این کشورها به جذب شدن در این سازمان و همراهی با نظام جهانی فراهم آورده است که عضویت کمابیش همه این کشورها در سازمان جهانی بازرگانی، افزایش نفوذ و مشارکت این کشورها در تصمیم گیری های جهانی بویژه در حوزه اقتصاد و رشد میزان سهم این کشورها در مبادلات جهانی گویای این واقعیت و شاهدی است بر این مدعا که جهانی شدن اقتصاد گرچه منجر به تقویت برخی پیوندهای منطقه ای میان کشورهای جنوب شده است، اما فراهم شدن زمینه تاسیس W.T.O و پیش بینی ترتیبات ویژه، به جلب شدن بسیاری از این کشورها به ترتیبات جهانی و سرانجام به همگرایی جهانی آنها انجامیده است.

* این مقاله بخشی از یافته های یک طرح پژوهشی مصوب دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در سال ۱۳۸۲ می باشد.

یادداشتها:

۱. دیوید هلد و آنتونی مک گرو، جهانی شدن و مخالفان آن، ترجمه مسعود کرباسیان، (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲) صص ۱.

۲. نگاه کنید به:

- Wade Robert, "Globalization and Its Limits: the Continuing Economic Importance of Nations and Regions". in Suzanne Berger and Ronald Dore (eds), *Convergence or Diversity? National Models of Production and Distribution in A Global Economy* Ithaca, Cornell University Press, 1996 pp. 62-95.

۳. فرهاد جوان، «سیاست توسعه صادرات و ارتباط آن با پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۸۰-۱۷۹، (مرداد و شهریور ۱۳۸۱)، صص ۲۴۱.

۴. رضا اکبریان، «سازمان جهانی بازرگانی و نقش آن در جهانی شدن اقتصاد»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۷۸-۱۷۷، (خرداد و تیر ۱۳۸۱)، صص ۱۷۴.

5. OECD, *Globalization of Industrial Activities*. Paris, OECD, 1994, p.11.

6. Sectorial economics

7. Interpertration

8. A. mac Ewan, "Globalization and Stagnation" in R. Miliband and L. Panitch (eds) *Between Globalization and Nationalism socialist Register* 30, 1994. p. 130;

۲۸. پیشین، ص ۳۲، جهت ترجمه متن کامل این سند نگاه کنید به: پاکدامن، پیشین، صص ۳۳-۳۶.
۲۹. سازمان تجارت جهانی، تجارت در آینده، ترجمه محمدجواد ایروانی، (تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۱) ص ۱۳۳.
30. Multilateral Agreements on Trade in Goods.
31. General Agreement on Tariffs and Trade 1994.
32. Wolfgang Fikentscher "GATT Principles and Intellectual Property Protection". GATT or WIPO? **New Ways in the International Protection of Intellectual Property**, Karl Beier and Schrickler (ed) (Munich: VCH Publishers. 1989, pp. 113-116.
33. Most-Favoured - Nation Treatment (MFN)
34. National Treatment (NT)
35. Free Transit
36. National Subsidies, and, Antidumping and Countervailing Duty Measure
37. Exchange Rate, and currency control
38. Subjection of state trading economies and state monopolies to the principles of GATT
۳۹. پاکدامن، پیشین، صص ۴۱-۴۲.
۴۰. پیشین، صص ۴۳-۴۴.
۴۱. پیشین، صص ۴۵-۴۶.
42. Quantitative restrictions (Quotas)
۴۳. پیشین، صص ۵۰-۵۱.
۴۴. پیشین، صص ۵۳-۵۴.
45. General Agreement on Trade of Services (GATS).
۴۶. پیشین، صص ۶۰-۶۱.
۴۷. پیشین، ص ۶۲.
48. Intellectual property
49. Trade Related Aspects of Intellectual property (TRIP)
۵۰. پیشین، ص ۷۸. جهت مطالعه بیشتر نگاه کنید به: وحید بزرگی، «سازمان جهانی بازرگانی، حقوق مالکیت فکری و کشورهای در حال توسعه» اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۷۴-۱۷۳، (بهمن و اسفند ۱۳۸۰)، صص ۱۹۷-۱۹۲.
۵۱. پیشین، ص ۸۳.
۵۲. پیشین، ص ۹۳.
۵۳. پیشین، صص ۹۴-۹۵.
۵۴. پیشین، ص ۱۰۱.
۵۵. سازمان تجارت جهانی، پیشین، ص ۱۳۷.
۵۶. پیشین، ص ۱۳۸.
۵۷. پیشین، ص ۱۴۰.
۵۸. دفتر نمایندگی تامالاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، خبرنامه رویدادها و تحولات سازمان جهانی تجارت، سال ششم، شماره ۳۶. تیرماه ۱۳۸۱، ص ۵۲.
۵۹. پاکدامن، پیشین، صص ۱۴-۱۶.
۶۰. نگاه کنید به: دکتر جلال‌الدین جلالی، گزارش شرکت در سومین اجلاس وزرای سازمان جهانی تجارت و اجلاس بانک توسعه اسلامی در سیاتل (تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۸)، صص ۳-۷.
۶۱. «سخنرانی دکتر پاتسیج پاکدای» در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۸/۷/۴، (پیشین، ص ۱۸).
۶۲. دفتر نمایندگی تامالاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، خبرنامه رویدادها و تحولات سازمان جهانی تجارت، سال ششم، شماره ۳۶. تیرماه ۱۳۸۱، ص ۵۲.
۶۳. رضایاکدامن، پیشین، صص ۱۷-۱۹.
۶۴. ابراهیم مسعودینیا، «جهانی شدن نامتوازن، واگرایی کشورهای در حال توسعه»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۹۹-۲۰۰ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳)، ص ۶۹.
65. United Nations, Unctad Handbook of Statistics, 2003, New York and Geneva, 2003.
۶۶. دفتر نمایندگی تامالاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، «چالشها و فرصتهای جهانی شدن برای کشورهای در حال توسعه»، پیشین، سال پنجم، ش ۳۰، دی ۱۳۸۱، ص ۴۸-۴۹.
۶۷. پیشین، ص ۵۰.
۶۸. دفتر نمایندگی تامالاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، خبرنامه رویدادها و تحولات سازمان جهانی تجارت، سال ۶، ش ۴۱ (آذر ۱۳۸۱)، ص ۵۴.